

بررسی مسائل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مجلات علمی در ایران*

اثر: دکتر منوچهر محسنی**

(ص ۴۱ تا ۷۱)

چکیده

این بررسی که هدف آن شناخت مسائل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مجلات علمی کشور در رابطه با گروه موضوعی و سازمان انتشار دهنده آن است، از طریق جمع‌آوری اطلاعات از مدیران و خوانندگان مجلات انجام شده است. مسائل به دو گروه برون‌سازمانی (ساختار پژوهشی، انجمنهای علمی، مسائل سیاسی، مسائل حقوقی) و درون‌سازمانی (دسترسی به منابع علمی، نیروی انسانی، بازار فروش، هزینه‌ها و مشکلات مالی) طبقه‌بندی گردیدند. اطلاعات بررسی، نشان می‌دهد که در نشر مجلات علمی در ایران مسائل درون‌سازمانی بیش از برون‌سازمانی اهمیت دارند و مهمترین مسائل به ترتیب، منشاء اقتصادی، فنی، سیاسی و حقوقی دارند. مشکلات اقتصادی توسط مدیران مجلات وابسته به بخش خصوصی بیشتر عنوان شده است و برای خوانندگان مشکل بیشتر در کیفیت مجلات علمی مطرح است و حال آنکه مدیران به جنبه تجهیزاتی مجلات توجه دارند.

واژه‌های کلیدی: نشریات ادواری علمی، مسائل درون‌سازمانی، مسائل برون‌سازمانی.

* آنچه که در این مقاله آمده است، تحلیلی اجمالی و فشرده در یک بخش از یافته‌های طرح بررسی ویژگیها و مسائل مربوط به تولید، نشر و مطالعه مجلات علمی در ایران است که از سه زاویه تولیدکنندگان، نشریات تولید شده، و نیز مطالعه‌کنندگان مورد توجه قرار گرفته است. این بررسی با حمایت مالی مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مشارکت گروهی از پژوهشگران (از جمله دکتر بیژن زارع، پرویز صالحی، دکتر خسرو اسدی، دکتر ابراهیم فیوضات، دکتر پروین محسنی و دکتر عباس احمدی) صورت گرفته است. متن کامل این گزارش در ۵۷۷ صفحه (ش ۱) در آرشیو مرکز مذکور موجود است.

** عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

کتابداری / دفتر ۳۹، ۱۳۸۱

مقدمه

در جهان معاصر به دلایل متعدد مجلات علمی در انتقال اطلاعات جاری نقش مهمی دارند و به اعتقاد پژوهشگران در کنار سایر وسایل ارتباطی در زمینه علم و تکنولوژی دارای جایگاهی خاص و گاهی منحصر به فرد هستند. این مجلات که در گروه نشریات ادواری قرار می گیرند رسانه انتقال اطلاعات، مطالعات، و پژوهشهای علمی و فنی هستند. چاپ و نشر منظم و به هنگام و دسترسی ساده و سریع استفاده کنندگان به آنها، دریافت اطلاعات را در مدت زمانی کوتاه پس از نشر امکانپذیر می سازد (ش ۱۲ / ص ۷).

مجلات علمی علاوه بر نقش مصرف علمی نمایانگر دستاوردهای جامعه علمی در گسترده ترین ابعاد خود از نظر جهانی و بالاخره ملی و منطقه ای هستند و در کنار ابعاد بین المللی علم، از آنجا که معمولاً مجله به یک زبان و کشور خاص متعلق است. نموداری از حیات علمی آن جامعه و به تعبیری نمایش دهنده ضربان قلب و حیات علمی جامعه می باشد و این رابطه دوسویه است، یعنی اثرات جامعه در مجله علمی، و مجله علمی در جامعه، منعکس است. برای توسعه پایدار علمی نیاز به سرمایه گذاریهای کوتاه مدت و بلندمدت مطرح است و این سرمایه از منابعی تأمین می شود که با محدودیت همراه است و در اینجا است که بازگشت سرمایه، آن هم بازگشت فوری لازم می شود، واقعیتی که با ماهیت توسعه علمی همخوانی چندانی ندارد. در این عرصه و شبکه روابط پیچیده مطرح در این حوزه است که مسائل و مشکلات آغاز می شود، چیزهایی که برخی از آنها هدف مطالعه ما بوده است و سعی کرده ایم که در راه شناخت آنها گام برداریم و امیدواریم که حداقلی از توفیق را کسب کرده و راه را برای بررسیهای بعدی هموارتر ساخته باشیم.

این مطالعه در حقیقت با این هدف انجام شده است که حداقل اطلاعات پژوهشی ممکن را درباره یکی از مهمترین رسانه های علمی جامعه ما که علیرغم اهمیت آن ناشناخته است فراهم آورد و از این طریق زمینه های علمی لازم را برای اقدام اجتماعی در این حوزه آماده نماید. موضوع مجلات علمی علاوه بر آنکه با فعالیتهای بسیاری از دانشگاهها و مراکز پژوهشی، وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی، انجمنهای علمی، نهادها، گروههای تخصصی و حرفه ای، و نیز شرکتها و مؤسسات صنعتی و

تجاری و بالاخره افراد ارتباط دارد با وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم و تحقیقات، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سطح برنامه‌ریزی، تعیین خط‌مشی، و برنامه‌ها و فعالیتهای اجرایی مرتبط است. افزون بر بعد ساختاری و سازمانی، موجودیت مجلات علمی با فعالیتهای علمی و پژوهشی گروه‌های کثیری از پژوهشگران، نویسندگان، مترجمین و نیز روزنامه‌نگاران و صاحبان حرف‌گوناگون و متعدد مطبوعاتی رابطه مستقیم دارد. در سوی دیگر این مجموعه که ما به عنوان تولیدکنندگان و برنامه‌ریزان به آنها نگاه می‌کنیم، خوانندگان قرار دارند؛ افرادی از قشرهای گوناگون اجتماعی و با سطوح بسیار متفاوت از سواد و آگاهی علمی که این مجلات در خدمت آنها قرار می‌گیرد و به تعبیر اقتصادی "مصرف" می‌شود.

موضوع مجلات علمی بطور مستقل در ایران تاکنون مورد بررسی گسترده‌ای قرار نگرفته و مطالب در این زمینه به زبان فارسی محدود به یک رساله دانشگاهی و چند مقاله در مجلات است، اما مطالعه مجله به طور عام و گاه مطالعه مجلات علمی در این میان در پاره‌ای از بررسیها مورد اشاره قرار گرفته است (ش ۱ / ص ۴۰۷). علیرغم این واقعیت که مجله علمی از اولیه‌ترین منابع اطلاعات در مشاغل علمی است، در حداقل گستردگی مورد اعتنای اهل علم قرار گرفته است. فهرستگان ارتباطات که تا سال ۱۳۷۲ در ۲ مجلد انتشار یافته و تمام دوره تاریخی مطبوعات ایران را دربرمی‌گیرد حکایت از آن دارد که تحت عناوین مرتبط با مسائل مجلات علمی تا تاریخ یاد شده فقط ۴ مقاله در مطبوعات کشور به چاپ رسیده است (ش ۲).

طرح مسأله و هدف بررسی

از آنجا که بحثهای نظری در زمینه مجلات علمی عملاً در حوزه علوم ارتباطات مطرح می‌شود، کلیت آن به گونه‌های خاصی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یکی از مشهورترین این نظریات و درعین حال قدیمی‌ترین آنها نظریه «پاداش آنی و آتی» ویلبر شرام (W. Schramm) می‌باشد، که اساساً با بحث مجلات علمی در ارتباطات است. «شرام» معتقد است که تمایل به انتخاب پیامهای ارتباطی تابعی از پاداشهای موردانتظار آنی و آتی و انرژی ضروری برای مطالعه و دستیابی (صرف وقت، کوشش و ...) به این منابع است. او پاداش آنی را شامل اطلاع از مطالب و اخبار جاری، و پاداش

آنی را شامل درک مطالب عمیق و پیچیده علمی، اجتماعی و ادبی می‌داند، مطالبی که درک کامل آنها منوط به وجود اطلاعات و زمینه‌های ذهنی قبلی است. در حالی که مطالب از نوع اول سبب تحریک و به هیجان آمدن مخاطب می‌شوند، مطالب از نوع دوم سبب تفکر، اندیشه و تکاپوی ذهنی می‌گردند. از سوی دیگر بلومر و کتز (Blumer, Kats) معتقدند که: کاربرد وسایل ارتباط جمعی مبتنی بر هدف خاص است، مخاطبین دست به انتخاب پیامهایی می‌زنند که نیاز آنان را تأمین کند.

در حوزه مطالعات نظری عالم ارتباطات باید توجه داشت که نگرشهای طرفداران بحثهای «بازاریابی اجتماعی» می‌تواند در تجزیه و تحلیل وضع و شرایط مجلات علمی سودمند باشد، چرا که این دیدگاه با طرح سؤال پیرامون چهار عامل: محصول، قیمت، مکان و ترویج، مطالعات خود را آغاز می‌کند. بازاریابی اجتماعی، حوزه کار را به فعالیتهایی می‌کشاند که در آنها، البته در مقایسه با بازاریابی تجاری سودآوری کمتر است و راه فعالیت باناهمواریهای بیشتری مواجه است (ش ۳ / ص ۱۶۹).

توجه خاص به موضوع جهانی شدن ارتباطات در طی دهه اخیر و پیگیری بحثها در این زمینه بی‌تردید نگاه به مجلات علمی را در آینده متحول خواهد کرد. با گسترش وسایل ارتباطی الکترونیک، اندیشه‌ها، تصاویر و صداها، فرهنگهای مختلف به طور بالقوه در دسترس افرادی خواهد بود که پیام اختصاصی برای آنها ارسال نشده است. جهانی شدن، تنها نوآوریهای تکنولوژیک را شامل نمی‌شود. شاید مهمترین جنبه آن مرتبط با مبادلات فرهنگی در بخشهای مختلف کره زمین است. جهانی شدن وسایل ارتباط جمعی بیش از هر چیز با «محتوا» ارتباط پیدا می‌کند، یعنی محصولات فرهنگی قابل دسترس در مقیاس جهانی (ش ۴ / ص ۲۹۲).

مقاله پس از طی مراحل اولیه (انتخاب، ویرایش) در معرض چاپ و نشر قرار می‌گیرد و به دست خوانندگان می‌رسد (توده مردم، محصلین، دانشجویان، کارشناسان و اعضای هیأت علمی). به این اعتبار، در صورتی که مجله علمی را در چارچوب نظریه سیستمی مورد توجه قرار دهیم در آن چند سیستم فرعی تولیدکنندگان، مجله، توزیع و عرضه، و مصرف‌کنندگان کالا را مشاهده می‌کنیم که هرکدام به اجزاء متعددی قابل تقسیم هستند و در یک مطالعه جامع باید تا حد امکان همه آنها را در نظر داشت (ش ۵ / ص ۶).

در ایران مجلات علمی براساس طبقه‌بندی وزارت علوم و تحقیقات، به انواع علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی تقسیم می‌شوند و تعداد آنها نیز در طول نیم قرن اخیر همواره دستخوش نوسان و در عین حال افزایش نسبی بوده است. به طور کلی و صرف‌نظر از موارد خاص (تعدادی از مجلات علمی عمومی) می‌دانیم که این مجلات تنوع موضوعی زیاد دارند، معمولاً در اغلب موارد برای تأمین بودجه با مشکل مواجه هستند، خوانندگان آنها از نظر تعداد محدود هستند، فعالیت قابل توجهی به لحاظ تبلیغاتی ندارند، هزینه‌های چاپ و نشر آنها سنگین و اغلب غیرقابل بازگشت است، معمولاً با کمک مالی دستگاه‌های دولتی انتشار می‌یابند، در خیلی از موارد دارای سازمان کافی و مدیریت مستقلی نیستند و انتشار آنها به فعالیت دستگاه و یا حتی مدیر معینی وابسته است، نسبت کمی از آنها در معرض فروش عمومی قرار دارند و فقط برای مشترکین ارسال می‌شوند، انتشار آنها در خیلی از موارد فاقد نظم ادواری است و ... در کشور ما دولت در انتشار این نشریات دارای نقش عمده است، که معمولاً از طریق دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات دولتی اعمال می‌شود، صرف‌نظر از تأمین بودجه مبلغ قابل توجهی نیز عملاً با تقلیل گاهی فاحش قیمت فروش مجلات در رابطه با قیمت تمام شده به خوانندگان یارانه می‌پردازد. مجلات علمی کشور ما از نظر تولید، نشر، توزیع، دسترسی، مطالعه، و بهره‌رسانی علمی با مشکلات متعددی مواجه هستند که باید مورد بررسی قرار گیرد تا بتواند پایه‌ای برای برطرف شدن مشکلات قرارگیرد و اطلاعات ضروری در برنامه‌ریزی فراهم آید.

مروری بر یافته‌های این بررسی حکایت از مسائلی دارد که از نظر علمی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و حقوقی مجلات علمی کشور ما با آن مواجه هستند. بنابراین بحث دربارهٔ مسائل مجلات محدود به مندرجات این مقاله نیست بلکه بحث شناخت نگرشهای مدیران مجلات و خوانندگان دربارهٔ اهمیت تعدادی از مسائلی است که در معرض پرسش قرار گرفته و به عبارت دیگر اطلاعاتی مبتنی بر نظرسنجی در قلمروی محدود از مسائل مهم را در بر می‌گیرد. این مسائل را می‌توان براساس ضابطه‌های مختلف طبقه‌بندی کرد. ملاک طبقه‌بندی یکی از الگوهای رایج در جامعه‌شناسی علم است که مسائل را از دیدگاه برون‌سازمانی و درون‌سازمانی بررسی می‌کند. تعدادی از مسائل را از دیدگاه مدیران و گاهی برحسب ضرورت از دیدگاه

خوانندگان از نظر اهمیت و تأثیرگذاری بر سرنوشت مجلات علمی، فرایند تولید و نشر آنها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مشکلات مجلات علمی در مواردی با مشکلات عمومی مطرح در جامعه مرتبط است و نمی‌توان سازمان نشریات را از آنچه که در جامعه در سازمانهای دیگر می‌گذرد به کلی جدا دانست. یکی از مدیران مجلات وابسته به بخش خصوصی در این مورد عقیده دارد که: «مشکلات نظام تولید نشریات را در خود آنها جستجو کردن خطاست زیرا نشریات تابع کوچکی از جریان اجتماع هستند. این جریان شالوده حرکت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که نشریات بخشی از آن بشمار می‌روند و روند رو به رشد و یا کندی حرکت آنها از آن ناشی می‌شود». یکی دیگر از مدیران مجلات علمی وابسته به یک مؤسسه دولتی، تغییر نگرش مردم نسبت به مطبوعات را در گرو تغییر نوع نگرش مسئولین فرهنگی جامعه می‌داند و تصریح می‌کند که: «هرگاه نگاه مسئولین مطبوعاتی و فرهنگی جامعه به نشریات علمی درست شد آنگاه شاهد نگاه درست مردم هم خواهیم بود».

بررسی انجام شده در سال ۱۳۷۰ در مورد ۸۰ مجله علمی (ش ۱ / ص ۵) حکایت از آن دارد که مهمترین مسائلی که از سوی مدیران عنوان شده است بترتیب اهمیت عبارتند از: کمبود امکانات اولیه چاپ نشریات (با نسبت ۴۲/۱٪)، عدم دسترسی به منابع تخصصی خارجی (۲۱/۸٪)، عدم حمایت مالی و معنوی سازمانهای مربوطه از نشریات علمی و تخصصی و وجود بوروکراسی (۱۲/۵٪)، نداشتن هیأت تحریریه و نویسندگان و چند مشغله بودن مدیر مسئول (۱۰/۹٪)، ضعف مدیریت و عدم اجرای صحیح نقش نشریات علمی و تخصصی (۹/۳٪) و بالاخره مشکلات توزیع نشریات (۳/۱٪). اکنون اهمیت نسبی این مشکلات تحول قابل توجهی پیدا کرده و از شدت مشکلات گروه اول قدری کاسته شده است، اما مسائل جدیدی ظاهر شده است. هرچند این نظرسنجی از مدیران مجلات علمی کشور حکایت از آن دارد که پاره‌ای از مشکلات کم و بیش اهمیت پیشین خود را در طول ۷ سال گذشته حفظ کرده‌اند، با اینحال به علت عدم تشابه طبقه‌بندیها و عوامل دیگر مقایسه دقیق امکانپذیر نیست. با توجه به نکات فوق، اهداف این بخش از بررسی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

اهداف پژوهش

۱. شناخت دیدگاه‌های مدیران مجلات درباره درجه اهمیت مسائل برون‌سازمانی مجلات علمی
۲. شناخت دیدگاه‌های مدیران مجلات درباره درجه اهمیت مسائل درون‌سازمانی مجلات علمی
۳. شناخت نگرش‌های خوانندگان درباره میزان حمایت دولت از مجلات علمی
۴. آگاهی از پیشنهاد‌های خوانندگان و مدیران برای بهبود شرایط مجلات علمی

روش مطالعه و نحوه جمع‌آوری اطلاعات

در این بررسی با محور قرار دادن پژوهش میدانی از روش توصیفی - مقطعی به عنوان روش اصلی استفاده شد. با توجه به اهداف طرح، چند متغیر ویژگی‌های خوانندگان از جمله سن، جنس، گروه آموزشی و موقعیت علمی - آموزشی، و دو متغیر مرتبط با مجلات یعنی گروه موضوعی و نوع وابستگی سازمانی (ناش) مورد بررسی قرار گرفت. از مشاهدات اسنادی (مراجعه به مدارک و اسناد) نیز در دو سطح استفاده شد. در تحلیل‌های موضوعی، مباحث نظری (مانند نقش رسانه‌های علمی) و در بررسی زمینه‌های تاریخی بازگشت به پیشینه علمی مباحث بود. بکارگیری مطالبی از بخش اظهارنظرهای آزاد در پرسشنامه‌ها نیز بخشی از مستندات است، البته با این قید که این موارد فقط بیان مطالب به گونه‌ای انفرادی است و نمی‌توان از این گونه مطالب استنتاجی جمعی را نتیجه گرفت.

برای جمع‌آوری اطلاعات با حداکثر دقت ممکن از دو ابزار پرسشنامه و مصاحبه استفاده شد. در این بررسی ۳ پرسشنامه مشخصات عمومی مجلات، پرسشنامه سازمان و اداره مجلات، و پرسشنامه رفتارها و نگرش‌های خوانندگان و نویسندگان مورد استفاده قرار گرفت.

(اصطلاحنامه کتابداری) مجله (Magazine) را اینگونه تعریف می‌کند:

«نشریه‌ای با عنوان مشخص که به صورت شماره‌ها یا جزوه‌هایی پیاپی با فاصله زمانی منظم برای مدت نامحدود منتشر می‌شود و حاوی مقالاتی درباره موضوعهای مختلف از نویسندگان مختلف است. مجله ممکن است برای عامه مردم تهیه شود و یا اختصاص

به موضوع خاص یا گروه معینی داشته باشد. فاصله زمانی شماره‌های یک مجله معمولاً بیش از سالی یک شماره است» (ش ۶ / ص ۲۷۱).

مجله علمی رسانه انتقال اطلاعات، مطالعات و پژوهشهای علوم است (ش ۷ / ص ۱۲۷). «پیر آلبر» پژوهشگر مسائل مطبوعاتی بر این عقیده است که مجله علمی (Revue) به مفهوم اعم نشریه‌ای ماهانه یا سه‌ماهه است که معمولاً در قطع کتاب است، عکس و تصویر در آن نقش فرعی دارد، دارای مقالات نظری، معرفی و نقد کتاب، و دارای سطح بالایی علمی است (ش ۸).

از مهمترین ویژگیهای مجله علمی، نشر ادواری ثابت آن است. این مجلات یا دارای اهداف تخصصی است (مجلاتی که فقط خاص مشترکین است)، یا دارای اهداف عامه فهم کردن معلومات تخصصی هستند، و یا هدف آنها اطلاع‌رسانی است.

براساس تعریف «فرهنگ ارتباطات» (ش ۱۰ / ص ۴۳۷) مجله علمی، مجله‌ای است که معمولاً کم تصویر است. حاوی مقالات تحلیلی، گردآوری، معرفی آثار علمی و ادبی و برخوردار از سطح علمی بالنسبه بالاست. موضوع این مجلات می‌تواند در حوزه‌های ادبی، علمی و یا تاریخی باشد.

کارشناسان کتابشناسی یونسکو، معتقدند نشریاتی علمی تلقی می‌شوند که به نشر منظم نتایج مطالعات و تحقیقات و مقالات اصیل دانشگاهیان و یا متخصصین رشته‌های مرتبط می‌پردازند. بنابر این تعریف در ابتدا تمامی نشریاتی که به انتشار اطلاعات خام (هرچند مفید در علوم مختلف، اما فاقد مطالعات سیستماتیک مبتنی بر روشهای علمی) می‌پردازند را از فهرست حذف می‌کند. براساس این تعریف عملاً تمامی روزنامه‌ها، مجلات، هفته‌نامه و نشریات مشابه معمولی از این فهرست حذف می‌شوند، حتی اگر این نشریات حاوی مقالاتی باشند که توسط متخصصین علوم مختلف نوشته شده باشند. در فهرست نشریات علمی معمولاً مجلاتی قرار می‌گیرد که مقاله‌های آن اکثراً دارای نام نویسنده است و این رویه در مجلات علمی متداول است، چون به امر مالکیت علمی مربوط می‌شود. یونسکو توصیه می‌کند مجلاتی را که محتوای آنها چاپ مطالب علمی ترجمه شده از زبانهای دیگر و یا چاپ مجدد آن مطالب است در این فهرست قرار گیرند، همانند مجلاتی که هدف آنها اشاعه و آشکارسازی عقاید جدید و یا ایدئولوژیها و یافته‌های جدید است. نشریات تخصصی ردیف

دوم، یعنی نشریات ادواری کتاب‌شناسی، نمایه‌های علمی و چکیده‌نامه‌ها و یا گزارشهای تحلیلی و نقدها را نیز بر این فهرست باید افزود (ش ۱۱ / ص ۱۱۶).

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

این بررسی، ۲ جامعه آماری متفاوت دارد: مجلات علمی و خوانندگان مجلات. در مورد مجلات از روش سرشماری استفاده شد و کلیه این نوع مجلات که از سال ۱۳۷۵ به بعد (تا اسفندماه ۱۳۷۷) حداقل یک شماره از آنها در داخل کشور منتشر شده‌اند در جامعه آماری مورد بررسی وارد شدند. بر این اساس تعداد ۴۲۷ مجله مورد بررسی قرار گرفتند. مجلات علمی در جامعه دانشگاهی دارای کاربرد خاص هستند و از نظر توسعه کیفی آموزش عالی مورد تأکید قرار دارند لذا اعضای هیأت علمی و دانشجویان به عنوان یک جامعه آماری خاص مورد مطالعه قرار گرفتند، هرچند که سایر گروهها نیز از این مجلات استفاده می‌کنند.

برای برآورد حجم نمونه از میان خوانندگان جامعه دانشگاهی خطای نمونه‌گیری ۱٪ (d)، سطح اطمینان ۹۵٪ ($Z=1/96$)، و حداقل درصد پاسخ به چند سؤال اصلی ۵٪ (P) محاسبه گردید. ملاک محاسبه مقدار P نتایج آزمون اولیه پرسشنامه خوانندگان در میان ۸۰ نفر دانشجویان و اعضای هیأت علمی قرار گرفت. تلاش بر این بود که از اطلاعات خاص این بررسی در تعیین حجم نمونه مورد نیاز استفاده شود. با قرار دادن مقادیر مذکور در فرمول حجم نمونه به تعداد ۱۸۲۴ نفر دست یافتیم که با توجه به نوع روش نمونه‌گیری از میان خوانندگان (اعم از دانشجویان و اعضای هیأت علمی) انتخاب شدند و سرانجام تعداد آنان به ۱۹۶۲ نفر افزایش یافت.

علیرغم عدم تطابق تعداد رشته‌ها با تعداد مجلات و خوانندگان، نسبت واقعی جمعیت نمونه (گروهی که سرانجام باتوجه به روش نمونه‌گیری به آنها مراجعه کردیم و پرسشنامه‌های آنان ملاک محاسبه قرارگرفت - یعنی ۱۹۶۲ نفر) با نسبت مجلات موجود در هر گروه هماهنگی دارد و نوسانهای محدودی که در چند مورد وجود دارد به علت ماهیت نمونه‌گیری است (روش خوشه‌ای). نهایت اینکه نمونه نهایی موردبررسی ما عبارتست از تعداد ۴۲۷ مورد مجله علمی (باتوجه به تعریف و ملاکهای عملی)، ۱۹۶۲ نفر گروه خواننده (شامل ۱۹۷ نفر عضو هیأت علمی، ۳۴۲ نفر دانشجو در مقاطع

کارشناسی ارشد و دکتری و ۱۴۲۳ نفر دانشجو در مقطع کارشناسی - جمعاً ۱۷۶۵ نفر دانشجو) که در ۴۸ گروه آموزشی توزیع شده‌اند.

تعداد کل مجلاتی که براساس تعریف جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفت بالغ بر ۴۲۷ مورد بود، که بالاترین نسبت آن مربوط به گروه علوم انسانی و پایین‌ترین نسبت مربوط به مجلات عمومی بود. مراتب دوم و سوم را از نظر تعداد به ترتیب مجلات مربوط به گروه‌های فنی و مهندسی و پزشکی دارند. باتوجه به تعریف عملیاتی، مجلات عمومی از نظر این بررسی مجلاتی به حساب آمدند که مشخصاً به هیچ یک از گروه‌های ششگانه مورداستفاده ما در طبقه‌بندیها تعلق نداشتند و حوزه موضوعی کار آنها چند گروه را عملاً پوشش می‌داد. در همین زمینه باید اشاره کنیم که در هریک از گروه‌های اصلی آموزشی نیز علاوه بر تقسیم‌بندی براساس رشته، یک گروه به عنوان عمومی در داخل هر کدام منظور گردید، که در اینجا نیز ملاک اصلی چند رشته‌ای بودن مجله بود. در یک نگاه کلی به این نتیجه می‌رسیم که بالاترین نسبت مجلات علمی (۲۹/۵٪) متعلق به دانشگاه‌هاست و پس از آن وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی قرار دارند (۲۶/۲٪). بخش خصوصی مرتبه سوم را دارد (۲۱/۸٪) و بالاخره مؤسسات نیمه‌دولتی و نهادها و انجمنها و گروه‌ها قرار دارند (۱۲/۴٪ و ۱۰/۱٪).

مسائل برون سازمانی و درون سازمانی

همانطور که در طرح مسأله اشاره شد مسائلی که با امر تولید و نشر مجله ارتباط داشت به دو گروه برون سازمانی (مسائل مرتبط با: ساختار پژوهشی، انجمنهای علمی، موانع سیاسی و موانع حقوقی) و درون سازمانی (مسائل مرتبط با: دسترسی به منابع علمی، نیروی انسانی، بازار فروش، هزینه‌ها و مشکلات مالی) طبقه‌بندی شد که به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مسائل برون سازمانی

الف. ساختار پژوهشی کشور. در این بررسی از مدیران یا سردبیران مجله خواسته شد به هریک از سؤالات مطرح شده با توجه به درجه اهمیت و تأثیر آن در نشر و تولید

مجلات علمی از صفر تا پنج نمره دهند. نمرات خام ارائه شده بعداً برای سهولت کاربرد به دو متغیر کم و زیاد تبدیل شد.

اکثریت افراد، تأثیر ضعف ساختار پژوهشی کشور را در انتشار مجلات علمی زیاد و نسبت معدودی این تأثیر را کم ارزیابی کرده‌اند. میانگین کلی نمرات ارائه شده به سؤال ۳/۸ با انحراف معیار ۱/۲ می‌باشد.

معنی‌دار نبودن تفاوت میان میانگینهای تأکید بر اهمیت پژوهش در گروههای مختلف با توجه به آزمون تجزیه واریانس حکایت از تشابه نظرات دارد ($P=0/961$ و $F=0/242$).

در نمره‌دهی به اهمیت ساختار پژوهشی کشور بر حسب نوع وابستگی، مدیران مجلات وابسته به انجمنها و گروهها به طور مطلق و مدیران مجلات وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی بالاتر از نود درصد روی تأثیر زیاد تأکید دارند.

ب. وضع انجمنهای علمی. تأثیر ضعف انجمنهای علمی را مدیران نظردهنده با ۷۳/۵٪ زیاد و با ۲۶/۵٪ کم دانسته‌اند. میانگین نمرات داده شده در این متغیر ۳/۴۱ با انحراف استاندارد ۱/۳۵ محاسبه شده است. (بر مبنای از صفر تا ۵). مدیران مجلات عمومی تأثیر زیاد را مطلق کرده و با ۱۰۰٪ اعتقاد به آن می‌نگرند.

مدیران مجلات وابسته به انجمنها و گروهها با بیشترین درصد در رأس و مدیران مجلات وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، اما هنوز در حد اکثریت، در قاعده جدول قرار دارند که تأثیر ضعف انجمنهای علمی را در نشر مجلات زیاد دانسته‌اند. این دو دامنه بین ۸۷/۵٪ و ۶۵/۴٪ در نوسان می‌باشد. سایر گروهها به ترتیب از زیاد به کم مجلات وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی، مؤسسات نیمه‌دولتی و وابسته، و دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی در وسط این دو حد قرار گرفته‌اند.

ج. موانع سیاسی. در پاسخ سؤال فوق که آیا فعالیت سیاسی مانع فعالیت علمی، که در اینجا از کانال مجلات علمی انجام می‌پذیرد، می‌شود، مدیران و سردبیران و مسؤولان مجلات علمی در کل با ۷۸/۸٪، اکثریت و قاطعیت بالا و قابل استناد، اعتقاد دارند که این تأثیر کم می‌باشد. تنها ۲۱/۲٪ بقیه افراد مورد بررسی به تأثیر زیاد موانع سیاسی از نشر مجلات علمی، که خواه ناخواه در خدمت نشر نظریات و اصول علمی است، تأکید می‌کنند. نسبت موارد بدون پاسخ این سؤال نیز قابل توجه است (۱۱٪).

رابطه دو متغیر مورد مطالعه معنی دار ارزیابی شده است (جدول شماره ۱). از سوی دیگر در گروههای مختلف میانگین شدت تأکید بر اهمیت این مشکل نیز با توجه به آزمون تجزیه واریانس وضع یکسانی ندارد ($P=0/002$ و $F=3/785$). به طور کلی این رقم در گروههای پزشکی، فنی و مهندسی، و علوم پایه از همه کمتر است (بین $0/6$ تا $0/8$) و در گروههای علوم انسانی، عمومی، کشاورزی، و هنر (با میانگینهای از $2/3$ تا 2) بیشتر است و این به علت ماهیت خاص این رشته‌ها و محدودیتهائی است که از سوی مدیران احساس و بیان شده است.

مدیران نشریات وابسته به انجمنها و گروهها با اکثریت تأثیر موانع سیاسی را در انتشار مجلات خود کم دانسته‌اند. مدیران نشریات وابسته به دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی با اکثریت بالا و سپس مدیران نشریات وابسته به مؤسسات نیمه دولتی و وابسته، وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، و مدیران نشریات وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی، همه با اکثریت به تأثیر کم موانع سیاسی در نشر مجلات علمی خود تأکید کرده‌اند (جدول شماره ۲). همانطور که اشاره شد مدیران مجلات وابسته به انجمنها و گروهها به تأثیر زیاد موانع سیاسی در نشر مجلات علمی خود اصلاً رأی نداده‌اند. در نمرات ارائه شده (بین ۵-۵) به سؤال بررسی میانگین نمرات $1/5$ و انحراف از میانگین $1/5$ می‌باشد. هرچند که تفاوت میانگینها معنی دار نیست، با اینحال این رقم از $0/4$ در مجلات انجمنها و گروههای حرفه‌ای تا 2 در میان مدیران مجلات وابسته به بخش خصوصی در نوسان است.

د. موانع حقوقی. مشکلات حقوقی را می‌توان به مشکلات مربوط به قوانین مرتبط با مطبوعات، محدودیتها و نارسائیهای قوانین مالی حاکم بر مطبوعات، جایگاه این مقوله مهم در شرایط اجتماعی، حوزه عمل، دامنه فعالیتها و مسؤولیتهای آن تعبیر کرد. مدیران مجلات علمی برعکس دو مقوله (ضعف ساختار پژوهشی و ضعف انجمنهای علمی) نسبت به تأثیر این مشکلات دید مثبت تری دارند و با نگرشی خوشبینانه تر به آن نگرسته‌اند. این نگرش در میزان تأثیر مشکلات حقوقی در نشر مجلات علمی، به نسبت $52/9\%$ تأثیر کم و $47/1\%$ تأثیر زیاد، بازتاب یافته است.

با نگاهی به نگرش مدیران مجلات به مشکلات حقوقی برحسب گروههای موضوعی می‌بینیم که برای مدیران مجلات فنی - مهندسی مسأله مورد سؤال با درصدی

بالا (۰/۸۴/۲) تأثیر کم، و برای گروه هنر، با بالاترین درصد، که در عین بالا بودن، از درصد گروه فنی مهندسی در شاخص کم، بسیار پائین‌تر است، دارای تأثیر زیاد قضاوت شده است. میانگین شدت تأکید بر اهمیت این مشکل با توجه به نمرات داده شده (از صفر تا ۵) در مجلات گروه فنی و مهندسی از همه گروه‌های دیگر کمتر (۱/۵) و در گروه علوم پایه از همه بیشتر است (۳/۲). با اینحال تفاوت میانگینها معنی‌دار نیست ($F=2/103$ و $P=0/059$).

مدیران مجلات وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی با ۶۶/۷٪، در بالاترین حد تأثیر مشکلات حقوقی را در نشر مجلات علمی کم ارزشیابی کرده‌اند و این در حالی است که مدیران مجلات وابسته به دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی با ۵۵/۶٪ در بالاترین حد تأثیر مشکلات حقوقی را در نشر مجلات علمی زیاد دانسته‌اند. در شاخص کم، کمترین تأثیر با ۴۴/۴٪ به مجلات دانشگاهی و پژوهشی، و در شاخص زیاد، کمترین تأثیر با ۳۳/۳٪ به مجلات وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی تعلق دارد. دو گروه مجلات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، و انجمنها و گروهها نظیر خود را به تساوی بین دو شاخص کم و زیاد تقسیم کرده‌اند. رابطه دو متغیر مورد نظر معنی‌دار نمی‌باشد (جدول شماره ۲). میانگین نمرهای که مدیران مجلات وابسته به بخش خصوصی به این مشکل می‌دهند از هم کمتر است (درگیری کمتر با پاره‌ای از مقررات مالی) و حال آنکه شدت تأکید بر اهمیت مشکل در مجلات وابسته به گروهها و انجمنها، دانشگاهها، و وزارتخانه‌ها بیشتر است. با اینحال تفاوت میانگینها در حدی نیست که معنی‌دار باشد ($F=1/201$ و $P=0/314$).

مسائل	کل	عمری	علوم انسانی	پزشکی	فنی و مهندسی	کشاورزی	علوم پایه	هنر
ضعف ساختار کم	۱۳/۳	۱۶/۷	۲۱/۶	۱۷/۴	۴/۸	۱۰/۰	۰	۰
پژوهشی زیاد	۸۶/۷	۸۳/۳	۷۸/۴	۸۲/۶	۹۵/۲	۹۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
ضعف انجمنهای کم	۲۶/۵	-	۳۱/۰	۲۷/۳	۱۹/۰	۲۰/۰	۲۵/۰	۳۳/۳
علمی زیاد	۷۳/۵	۱۰۰/۰	۶۹/۰	۷۲/۷	۸۱/۰	۶۰/۰	۷۵/۰	۶۶/۷
موانع کم	۷۸/۸	۷۱/۴	۶۳	۱۰۰/۰	۹۴/۴	۶۲/۵	۱۰۰/۰	۶۰/۰
سیاسی زیاد	۲۱/۲	۲۸/۶	۳۷/۰	۰	۵/۶	۳۷/۵	۰	۴۰/۰
مشکلات کم	۵۲/۹	۶۶/۷	۴۵/۵	۳۶/۸	۸۴/۲	۵۰/۰	۵۵/۶	۳۳/۳
حقوقی زیاد	۴۷/۱	۳۳/۳	۵۴/۵	۶۳/۲	۱۵/۸	۵۰/۰	۴۴/۴	۶۶/۷

جدول ۱. تأثیر مسائل مختلف برون سازمانی بر نشر مجلات از دیدگاه مدیران
بر حسب گروه موضوعی مجلات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مسائل	کل	وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی	دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی	افراد و مؤسسات خصوصی	انجمنها و گروهها	مؤسسات نیمة دولتی
ضعف ساختار کم	۱۳/۳	۱۷/۲	۱۵/۲	۷/۷	-	۱۸/۲
پژوهشی زیاد	۸۶/۷	۸۲/۸	۸۴/۶	۹۲/۳	۱۰۰/۰	۸۱/۸
ضعف انجمنهای کم	۲۶/۵	۳۴/۶	۲۹/۴	۲۰/۰	۱۲/۵	۲۲/۲
علمی زیاد	۷۳/۵	۶۵/۴	۷۰/۶	۸۰/۰	۸۷/۵	۷۷/۸
موانع کم	۷۸/۸	۷۰/۰	۸۸/۹	۶۹/۶	۱۰۰/۰	۸۰/۰
سیاسی زیاد	۲۱/۲	۳۰/۰	۱۱/۱	۳۰/۴	-	۲۰/۰
مشکلات کم	۵۲/۹	۵۰/۰	۴۴/۴	۶۶/۷	۵۰/۰	۵۸/۳
حقوقی زیاد	۴۷/۱	۵۰/۰	۵۵/۶	۳۳/۳	۵۰/۰	۴۱/۷

جدول ۲. تأثیر مسائل مختلف برون سازمانی بر نشر مجلات از دیدگاه مدیران
بر حسب نوع وابستگی مجلات

مسائل درون‌سازمانی

الف. دسترسی به منابع علمی. لازم است اشاره شود که در نظرخواهی از استادان و دانشجویان مورد بررسی درباره اقدامات ضروری برای بهبود شرایط مجلات علمی ۱۱/۱٪ افراد به توسعه ارتباطات علمی در سطح ملی و بین‌المللی اشاره کرده بودند که از نظر ترتیب اهمیت در مرتبه چهارم قرار دارد. میانگین تأکید بر اهمیت این مشکل در گروه پزشکی از همه کمتر (احتمالاً به علت برخورداری بیشتر از «مدلین» در دانشگاه‌های علوم پزشکی) و در گروه هنر از همه بیشتر است (میانگین ۳/۵ از ۵- در مقابل ۲/۵ در گروه پزشکی). علیرغم این نوسان بالنسبه گسترده براساس آزمون تجزیه واریانس تفاوت میانگینها در سطح ۷ گروه مورد بررسی معنی‌دار نیست ($P=0/533$ و $F=0/851$).

مدیران مجلات علمی گروه‌های مختلف آموزشی با اکثریت، و در مواردی اکثریت بالا، کمبود دسترسی به منابع علمی را در کیفیت مجلات علمی خود دارای تأثیر زیاد می‌دانند. در کل ۶۲/۴٪ افراد به تأثیر زیاد و ۳۷/۶٪ به تأثیر کم صحنه گذاشته‌اند. رابطه دو متغیر از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد (جدول شماره ۳).

از جمله مشکلاتی که اغلب مجلات علمی کشور، بویژه آنهایی که توسط ناشرین غیردانشگاهی منتشر می‌شوند با آن شدیداً مواجه هستند، مشکل دسترسی به مجلات و منابع علمی جهانی است. در نمرات داده شده به سؤال مزبور (بین ۵-۰) میانگین نمرات ۲/۹۷ و انحراف از میانگین برای گروه‌های موضوعی ۱/۴ می‌باشد. آزمون تجزیه واریانس نشان می‌دهد که میانگین نمرات داده شده به درجه اهمیت مشکل در دسترس بودن منابع علمی معتبر که از دیدگاه مدیران مجلات دانشگاهی از همه کم اهمیت‌تر و برای مدیران مجلات وابسته به مؤسسات نیمه‌دولتی و نهادها از همه پراهمیت‌تر است (به ترتیب ۲/۳ و ۳/۵) با توجه به آزمون آماری معنی‌دار است ($P=0/019$ و $F=3/08$) (جدول شماره ۴).

ب. نیروی انسانی. نیروی انسانی، عامل اصلی تولید محسوب می‌گردد. تولید مجله، تولید کالائی ملموس و عینی است که بدون نیروی انسانی یا نیروی کار کافی و آزموده دچار اختلال خواهد شد. می‌توان گفت نیروی کار یا نیروی انسانی به مجموعه کارکنانی از همه درجات و مشاغل مختلف اطلاق می‌گردد که هرکدام در فعالیت

مشخصی به کار اشتغال دارند.

نمونه مورد بررسی، نقش نیروی انسانی را در نشر مجلات علمی با درصدی بالا دارای تأثیر زیاد دانسته است. میزان تأثیر کم، $۲۹/۶\%$ موارد را به خود اختصاص داده است که همانطور که قبلاً هم اشاره شد به مفهوم عدم وجود مشکل نبوده، تنها میزان این مشکل را کم ارزیابی کرده است. میانگین نمرات ارائه شده به سؤال مورد نظر برابر $۳/۱$ (با انحراف استاندارد $۱/۴$) می باشد. موافقت مدیران مجلات بر حسب گروه موضوعی در تأثیر زیاد نیروی انسانی در نشر مجله با درصد بالا به مدیران مجلات گروه هنر تعلق دارد، و با درصد پائین، اما هنوز موافق تأثیر زیاد، به مجلات عمومی که دو دامنه منحنی را (با ۹۰% و ۴۰%) تشکیل داده اند. گروه های علوم انسانی، علوم پایه، پزشکی، فنی - مهندسی و کشاورزی به ترتیب از بالا به پائین در وسط دو حد فوق قرار گرفته اند. به طور کلی تأکید بر اهمیت مشکل نیروی انسانی در گروه هنر (به علت تخصصی تر و فنی تر بودن) از همه گروه های دیگر بیشتر است و میانگین مقداری آن (در محدوده از صفر تا ۵) برابر با $۴/۱$ می باشد و در مقابل در گروه مجلات علمی عمومی (با میانگین $۲/۲$) در پائین ترین حد قرار دارد. مرتبه دوم تأکید (البته با فاصله ای قابل توجه) را در گروه پزشکی مشاهده می کنیم ($۳/۴$). آزمون تجزیه واریانس حکایت از آن دارد که تفاوت میانگینها در سطح گروه های هفت گانه معنی دار است ($F=۲/۲۲۱$ و $P=۰/۰۴۷$).

مدیران مجلات وابسته به وزارتخانه ها و مؤسسات دولت با درصد بالا اعتقاد دارند که نیروی انسانی در نشر مجلات علمی تأثیر زیاد دارد. مدیران مجلات وابسته به انجمنها و گروهها، وزارتخانه ها، مؤسسات دولتی، دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی، مؤسسات نیمه دولتی و وابسته و بالاخره مدیران مجلات وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی در مرحله آخر با تأثیر زیاد موافق می باشند. دامنه تغییرات بین $۸۳/۳\%$ و $۵۷/۷\%$ در نوسان می باشد. در شاخص کم، برعکس شاخص زیاد کمترین درصد به مدیران مجلات وابسته به انجمنها و گروهها و بیشترین آن به مدیران مجلات وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی. دامنه تغییرات که بین $۱۶/۷\%$ و $۴۲/۳\%$ در نوسان است درست همان اندازه است که دامنه تغییرات شاخص زیاد. رابطه دو متغیر مورد مطالعه معنی دار نمی باشد (جدول شماره ۴). به طور کلی باید گفت که علیرغم نوسانات مقداری شدت تأکید بر اهمیت عنصر نیروی انسانی در سطح ناشرین مختلف (تأکید بیشتر

مدیران مجلات وزارتخانه‌ها و تأکید کمتر نزد مجلات وابسته به نهادها) تفاوت میانگینها از نظر آماری در سطح قابل توجهی نیست ($P=0/0331$ و $F=1/162$) و نمی‌توان فرض تفاوت عقاید را پذیرفت.

ج. بازار فروش. در بررسی حاضر در پرسشنامه مربوط به مدیران مجلات علمی از آنها درباره ضعف بازار فروش و تأثیر آن در نشر مجلات علمی سؤال شد که نتایج حاصل در این جوابها به صورت زیر می‌باشد. مدیران مجلات علمی با نسبت $76/3\%$ اعتقاد دارند که ضعف بازار فروش در نشر مجلات علمی تأثیر زیاد می‌گذارد. تردید نیست منظور از این تأثیر، تأثیر منفی و بازدارنده در تولید مجله می‌باشد. مقدار باقیمانده به تأثیر کم تعلق دارد که در این جا هم منظور از تأثیر کم، در واقع بدون تأثیر بودن نیست، تنها مقدار تأثیر را در نظر دارد که باز مقدار تأثیر منفی موردنظر است، منتهی در شاخص کم مطرح شده است.

با توجه به محاسبات آماری انجام گرفته میانگین نمرات ارائه شده (بین ۵-۰) به سؤال مزبور $3/4$ با انحراف استاندارد $1/4$ می‌باشد. میانگین نمرات درجه تأکید بر اهمیت این مشکل در سطح گروههای مختلف دارای نوسانهای بسیار محدود است (مثلاً $3/6$ در گروه هنر و $3/2$ در گروه فنی و مهندسی) و از نظر آماری نیز نمی‌توان حکم به تفاوت میانگینها کرد ($P=0/99$ و $F=0/097$). نهایت اینکه محدودیت بازار فروش یک مسأله مشترک و همگانی است، هرچند که ممکن است برخی از مدیران فشار آن را (به علت محدودیتهای مالی) بیشتر احساس کنند.

د. هزینه‌ها. مدیران مجلات علمی با اکثریت قابل توجه (82%) بالا بودن هزینه‌ها را دارای تأثیر زیاد در نشر مجلات علمی می‌دانند. تردیدی نیست که واژه تأثیر در اینجا تأثیر مثبت نیست و بیشتر تعبیر اقتصادی دارد. محاسبات آماری، میانگین $3/73$ را، میانگین نمرات (از صفر تا ۵) داده شده به سؤال موردنظر توسط مدیران نشریات محاسبه کرده است. پراکندگی، نمرات و انحراف آنها از میانگین $1/36$ می‌باشد. اهمیت زیاد این مشکل برای همه گروهها سبب گردیده که آزمون آماری نیز تفاوت معنی‌داری را میان گروهها از نظر میانگین نشان ندهد ($P=0/812$ و $F=0/492$). با اینحال می‌توان اشاره کرد که شدت تأکید بر مشکل آفرینی هزینه زیاد در گروههای علوم پایه و هنر (با میانگین $4/1$ در هر دو مورد) از گروههای عمومی و پزشکی کمتر است (با میانگین $3/5$

و ۳/۳).

۵. مشکلات مالی. مشکلات مالی اگر از حدی مشخص تجاوز نماید، و هیچ منبعی از مجله، از نظر مالی حمایت نکند خواه ناخواه انتشار مجله متوقف خواهد گردید. مدیران نشریات علمی در موضوعات متفاوت با اکثریت بالا، و در موردی اکثریت مطلق، تأثیر مشکلات مالی را در نشر مجلات علمی زیاد دانسته‌اند.

نتیجه کلی حاصله از این ارزشیابی به صورت ۸۳/۱٪ تأثیر زیاد، و ۱۶/۹٪ تأثیر کم مشکلات مالی در انتشار مجلات علمی است. در بین گروههای موضوعی گروه فنی - مهندسی با ۱۰۰٪ و گروه علوم انسانی با ۷۱/۸٪ دو دامنه تأثیر زیاد مشکلات مالی را به وجود آورده‌اند که اولاً مقدار درصدها بسیار بالاست و ثانیاً تفاوت دو دامنه محدود می‌باشد. در محاسبات آماری میانگین نمرات داده شده (بین صفر تا ۵) ۳/۸۲ می‌باشد و پراکندگی نمرات در اطراف میانگین ۱/۳۹ می‌باشد. میانگینهای شدت تأکید بر اهمیت مشکلات مالی در سطح گروههای مختلف موضوعی هرچند که با توجه به آزمون آماری تفاوت معنی دار ندارند، اما به نحو کاملاً یکسانی نیز این مشکل از سوی گروههای مختلف اظهار نشده است. به عنوان مثال در گروه علوم انسانی شدت تأکید کمتر (با میانگین ۳/۵ از حداکثر ۵) و در علوم پایه بیشتر است. بدیهی است که شدت احساس مشکل مذکور بیشتر با تخصیصی بودن مجلات و محدودیت دامنه بازار فروش و منابع تأمین مالی در رابطه است تارشته‌های علمی فی نفسه.

رابطه دو متغیر مورد مطالعه به شهادت مقدار χ^2 معنی دار می‌باشد. هرگاه میانگین شدت تأکید بر اهمیت این مشکل را در سطح انواع مختلف وابستگی مورد توجه قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که تأکید از سوی گروهها و انجمنها از همه بیشتر است (با میانگین ۴/۴ از حداکثر ۵) و در میان مدیران مجلات وابسته به وزارتخانه‌ها و دانشگاهها از همه کمتر است. با اینحال آزمون تجزیه واریانس تفاوت معنی داری را در سطح ۵ دسته ناشرین مورد بررسی ما ثابت نمی‌کند ($F=1/530$ و $P=0/198$).

مسائل	کل	عمومی	علوم انسانی	پزشکی	فنی و مهندسی	کشاورزی	علوم پایه	نشر
کم دسترسی به کم	۳۷/۶	۵۰/۰	۴۰/۰	۴۴/۴	۳۳/۳	۲۵/۰	۵۰/۰	۲۲/۲
منابع علمی زیاد	۶۲/۴	۵۰/۰	۶۰/۰	۵۵/۶	۶۶/۷	۷۵/۰	۵۰/۰	۷۷/۸
ضعف نیروی کم	۲۹/۶	۶۰/۰	۲۱/۹	۲۶/۳	۴۰/۹	۴۱/۷	۲۵/۰	۱۰/۰
انسانی زیاد	۷۰/۴	۴۰/۰	۷۸/۱	۷۳/۷	۵۹/۱	۵۸/۳	۷۵/۰	۹۰/۰
ضعف بازار کم	۲۳/۷	۱۴/۳	۲۷/۸	۲۸/۶	۲۵/۰	۱۸/۲	۱۱/۱	۲۰/۰
فروش زیاد	۷۶/۳	۸۵/۷	۷۲/۲	۷۱/۴	۷۵/۰	۸۱/۸	۸۸/۹	۸۰/۰
بالا بودن کم	۱۸/۰	۲۸/۶	۱۳/۹	۳۳/۳	۱۶/۷	۱۶/۷	۱۴/۳	-
هزینه‌ها زیاد	۸۲/۰	۷۱/۴	۸۶/۱	۶۶/۷	۸۳/۳	۸۳/۳	۸۵/۷	۱۰۰/۰
مشکلات کم	۱۶/۹	۱۴/۳	۲۸/۲	۱۳/۶	.	۲۳/۱	۱۱/۱	۱۱/۱
مالی زیاد	۸۳/۱	۸۵/۷	۷۱/۸	۸۴/۶	۱۰۰/۰	۷۶/۹	۸۸/۹	۸۸/۹

جدول ۳. تأثیر مسائل مختلف درون‌سازمانی بر نشر مجلات از دیدگاه مدیران

بر حسب گروه موضوعی مجلات

مسائل	کل	وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی	دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی	افراد و مؤسسات خصوصی	انجمنها و گروهها	مؤسسات نیمه دولتی
کم دسترسی به کم	۳۷/۶	۲۵/۹	۵۴/۳	۳۳/۳	۱۴/۳	۳۸/۵
منابع علمی زیاد	۶۲/۴	۷۴/۱	۴۵/۷	۶۶/۷	۸۵/۷	۶۱/۵
ضعف نیروی کم	۲۹/۶	۲۰/۰	۲۶/۳	۴۲/۳	۱۶/۷	۳۸/۵
انسانی زیاد	۷۰/۴	۸۰/۰	۷۳/۷	۵۷/۷	۸۳/۳	۶۱/۵
ضعف بازار کم	۲۳/۷	۲۳/۱	۲۷/۵	۲۵/۹	۳۳/۳	۶/۷
فروش زیاد	۷۶/۳	۷۶/۹	۷۲/۵	۷۴/۱	۶۶/۷	۹۳/۳
بالا بودن کم	۱۸/۰	۲۴/۱	۲۹/۴	۶/۹	.	۷/۷
هزینه‌ها زیاد	۸۲/۰	۷۵/۹	۱۰/۶	۹۳/۱	۱۰۰/۰	۹۲/۳
مشکلات کم	۱۶/۹	۲۷/۶	۲۷/۵	.	.	۷/۱
مالی زیاد	۸۳/۱	۷۲/۴	۷۲/۵	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۹۲/۹

جدول ۴. تأثیر مسائل مختلف درون‌سازمانی بر نشر مجلات از دیدگاه مدیران

بر حسب نوع وابستگی مجلات

دولت و حمایت از مجلات

به علت بحرانهای حاصله در تهیه و توزیع کاغذ در طول جنگ و سالهای بعد از آن، و مشکلات مالی موجود در حوزه نشریات به طور عام، مساعدت دولتی و استفاده از حمایت مالی آن، نه حتی عیب نبوده و مذموم به حساب نمی آمد بلکه مدام از طرف خود نشریات، حتی آنهایی که از بنیه مالی مناسبی هم برخوردار بودند، به طور علنی و آشکار مطرح، طلب و اعلام می شد. حمایت دولت از نشریات در این دوره نوعی حمایت مردمی و حتی در مواردی فضیلت هم به حساب می آمد، بخصوص که کنترل کالاهای مطبوعاتی و فرهنگی از جمله کاغذ، فیلم، زینک و ... به علت شرایط خاص اجتماعی - اقتصادی و بخصوص اقتصاد جنگی حاکم بر جامعه در دست دولت بود و در نتیجه استفاده از این حمایتها امری تقریباً عادی و معمولی محسوب می گردید. نشریاتی که نمی توانستند از این حمایت استفاده کنند و یا کمتر از این حمایت برخوردار بودند گله مند و متقاضی حمایت بیشتر بودند.

با توجه به مسائل فوق از استادان و دانشجویان نمونه که خواننده و مشتری مطبوعات علمی می باشند درباره اینکه دولت از مجلات علمی حمایت نمی کند سؤال شد. میزان موافقت اعلام شده در ۳ شاخص زیاد و تا حدی کم طبقه بندی شده است. آنچه که اینجا مهم است مخالفت با حمایت دولت از مجلات علمی نیست بلکه مهم، آن چنان که در پرسشنامه منعکس شده است نوعی گلیایه و یا شکایت از این است که چرا دولت از مجلات علمی حمایت نمی کند. نتایج حاصله تلویحاً نشانگر این مسأله است که در جوامعی مثل جامعه ما برای اشاعه علم، اتکا به حمایت دولتی ضمانتی برای استمرار و تداوم انتشار مجلات علمی است. با توجه به اهمیتی که این مقوله دارد موضوع حمایت از مجلات علمی را به طور عام از دیدگاه خوانندگان و حمایت معنوی را از دیدگاه مدیران (حمایت مالی را در بخش اقتصاد مجلات مورد بررسی قرار دادیم) تجزیه و تحلیل خواهیم کرد.

الف. نگرش خوانندگان درباره میزان حمایت دولت از مجلات علمی. در این بررسی ۱۰۹۴ مرد و ۸۶۸ زن با دادن نمره از صفر تا ۵ میزان حمایت دولت را از مجلات علمی ارزشیابی کردند. در این اعلام نظر در مرحله اول بیشترین افراد، و در مواردی در رابطه با بعضی از گروههای آموزشی مثل فنی - مهندسی، علوم پایه و هنر اکثریت افراد در

شاخص زیاد معتقد بودند که دولت از مجلات علمی حمایت نمی‌کند. در مرحله دوم تا حدی این مسأله را تأیید کرده‌اند. به عبارت دیگر گروه اخیر معتقد بوده‌اند که دولت از مجلات علمی حمایت لازم را به عمل می‌آورد و اعتقاد خود را در شاخص عدم موافقت با حکم «دولت از مجلات علمی حمایت نمی‌کند» بازتاب داده‌اند. این مسأله نشان‌دهنده حساس بودن موضوع دخالت دولت در امر مطبوعات علمی و مشکل بودن تصمیم‌گیری در این زمینه می‌باشد و از طرف دیگر می‌تواند نشانه عدم وجود اطلاعات دقیق درباره میزان و نوع حمایت دولت باشد. نسبت کسانی که به این موضوع نمره صفر دادند (محدوده صفر تا ۵ به عنوان نمره مشخص شده بود) فقط $4/7\%$ بود، یعنی کسانی که اساساً این عقیده را باور نداشتند. در مقابل بالاترین نسبت در گروهی مشاهده شد که نمره ۵ را انتخاب کردند ($27/2\%$)، یعنی کسانی که اعتقاد کامل به این امر دارند. در عین حال اعداد میانی نیز نسبت قابل توجهی از افراد را در خود جا داده است و این تأثیر را در رقم میانگین که $3/2$ است (با انحراف معیار $1/4$) نیز مشاهده می‌کنیم. رقم نما برابر با ۵ و میانه نیز برابر با ۳ می‌باشد و بیان‌کننده شدت قابل توجه تأکید بر این امر است. خلاصه آنکه خوانندگان معتقدند دولت باید بیش از این از مجلات علمی حمایت کند.

از یک دیدگاه کلی به نظر می‌رسد اعضای هیأت علمی، که در واقع بیشترین نیروی تولید‌کننده مقالات مجلات علمی محسوب می‌شوند، به علت قرار گرفتن در بطن و متن کار، و درک حوزه گسترده علمی از طرفی و بنیه مالی ضعیف اهل علم در تولید و توزیع علم از طرف دیگر حمایت دولت را برای پیشرفت علم ضروری تشخیص می‌دهند و از کافی نبودن این حمایت گله‌مند هستند.

ب. حمایت معنوی دولت از مجلات علمی. هر چند علوم پایه به درصدی حتی بالاتر از درصد حمایت مالی روی آن تأکید کرده است، اما در موارد دیگر از جمله دو گروه پزشکی و فنی - مهندسی اکثریت به شاخص کم رأی داده‌اند. بعد از علوم پایه در شاخص زیاد گروه هنر، کشاورزی، عمومی و علوم انسانی در حد اکثریت پشت سر هم قرار گرفته‌اند. دو گروه فنی - مهندسی و پزشکی کمترین درصد را در این شاخص به خود اختصاص داده‌اند. دامنه تغییرات بین $77/8\%$ تا $38/9\%$ در تغییر می‌باشد. گروه پزشکی و فنی - مهندسی با اکثریت و به ترتیب در شاخص کم در رأس مراتب قرار دارند.

مجلات علمی وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی روی حمایت معنوی دولت

تأکید بیشتر داشته و عدم وجود آن را دازای تأثیر زیاد ارزیابی کرده‌اند. دو گروه مجلات وابسته به دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی، و انجمنها و گروهها، هنوز در حد اکثریت، و به طور مساوی در رتبه بعد و بالاخره مجلات وابسته به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، و مؤسسات نیمه دولتی و وابسته در مراتب نهائی این شاخص تأثیر عدم حمایت معنوی دولت را زیاد دانسته‌اند. در شاخص کم، برعکس شاخص زیاد مجلات وابسته به افراد و مؤسسات خصوصی با کمترین درصد و مجلات وابسته به مؤسسات نیمه دولتی و وابسته با بیشترین درصد تأثیر را کم ارزیابی کرده‌اند. لازم است اشاره شود مجلات وابسته به دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی، و انجمنها و گروهها تأثیر را به طور مساوی و یکسان در خط مرزی ۵۰٪ بین زیاد و کم تقسیم کرده‌اند. رابطه دو متغیر مورد مطالعه معنی دار نمی‌باشد. با توجه به جدول نمرات ارائه شده به سؤال، میانگین نمرات ۲/۸ و انحراف میانگین ۱/۷ می‌باشد. شدت تأکید بر این موضوع با توجه مقدار میانگین در بخش خصوصی از بقیه ناشرین بیشتر است (۳/۵ از حداکثر ۵). با اینحال تفاوت میانگینها با توجه به آزمون تجزیه واریانس معنی دار نمی‌باشد.

پیشنهادهای خوانندگان و مدیران برای بهبود شرایط مجلات

از دیگر اهدافی که ما در این مطالعه تعقیب می‌کردیم آگاهی از دیدگاههای خوانندگان و مدیران مجلات علمی کشور در زمینه روشهای بهبود شرایط تولید و نشر مجلات علمی کشور بود. این پرسش را به شکل باز برای هر دو گروه مطرح کردیم و پس از دسته‌بندی پاسخها مورد بررسی قرار دادیم.

الف. اقدامات ضروری از دیدگاه خوانندگان. در پرسشنامه مربوط به خوانندگان در یک سؤال باز از افراد خواسته شد شرایط بهبود مجلات علمی کشور را به صورت پیشنهاد و یا پیشنهاداتی به ترتیب بنویسند. ۸۰۴ نفر از خوانندگان به این سؤال پاسخ داده‌اند که در سیزده مقوله طبقه‌بندی شده است که در جدول شماره ۷ به ترتیب اهمیت آمده است. در این طبقه‌بندی «جذب و جلب همکاری بیشتر متخصصین» با ۱۸/۱۶٪ در رأس جدول و «ارتقاء فرهنگ مطالعه»، به مثابه یک پیشنهاد عمومی و تا حدودی بی‌رنگ و کنگ در انتهای جدول قرار گرفته‌اند.

(ارقام به درصد)

χ^2	جمع	زیاد	تأخیری	کم		
۰/۶۵۳	۷۲/۴	۴۶/۶	۴۰/۰	۱۳/۵	دانشجوی کارشناسی	گروه آموزشی
$P=۰/۹۵۶$	۱۷/۵	۴۵/۱	۴۰/۸	۱۴/۱	دانشجوی کارشناسی	
$C=۰/۰۱۹$	۱۰/۱	۴۸/۹	۳۸/۱	۱۳/۱	ارشد	
					عضو هیأت علمی	
۲۸/۹۷۶	۴۲/۲	۴۰/۲	۴۴/۴	۱۵/۵	علوم انسانی	گروه آموزشی
$P=۰/۰۰۱$	۲۰/۴	۴۹/۷	۴۰/۷	۹/۶	پزشکی	
$C=۰/۱۲۷$	۱۵/۱	۵۰/۸	۳۶/۴	۱۲/۹	فنی و مهندسی	
	۶/۹	۴۹/۲	۳۳/۳	۱۷/۵	کشاورزی و ...	
	۹/۷	۵۵/۰	۳۲/۵	۱۲/۴	علوم پایه	
	۵/۷	۵۳/۵	۳۴/۳		هنر	

جدول ۵. میزان موافقت پاسخگویان با عقیده عدم حمایت دولت از مجلات

(ارقام به درصد)

گروه موضوعی	تأثیر عدم حمایت	کم	زیاد
عمومی		۴۲/۹	۵۷/۱
علوم انسانی		۴۴/۸	۵۵/۲
پزشکی		۶۱/۱	۳۸/۹
فنی و مهندسی		۵۵/۰	۴۵/۰
کشاورزی و ...		۴۰/۰	۶۰/۰
علوم پایه		۲۲/۲	۷۷/۸
هنر		۳۳/۳	۶۶/۷
کل		۴۶/۵	۵۳/۵

$$(\chi^2 = ۴/۹۱۶ \text{ و } P = ۰/۵۵۴ \text{ و } C = ۰/۲۱۷)$$

جدول ۶. تأثیر عدم حمایت معنوی دولت در نشر مجلات از دیدگاه مدیران

جالب توجه است که دومین خواسته و پیشنهاد که ۱۵/۵٪ موارد را به خود اختصاص داده است «افزایش حمایت دولت» از نشریات علمی می باشد. مورد نهم از پیشنهادات ارائه شده «حمایت از مؤلفین می باشد» که ۴/۳۵٪ موارد را به خود اختصاص داده است. این مقوله از مسائلی است که در جامعه به آن کمتر اهمیت داده می شود. وزارتخانه های مسئول نشر و فرهنگ مدام از حقوق ناشران و حمایت از بنگاه های انتشاراتی و مطبوعاتی و مشکلات آنها بحث می کنند، و کمتر به مؤلفین توجه دارند.

دو پیشنهاد متوالی ششم و هفتم به صورت «ایجاد تسهیلات از نظر دسترسی بیشتر به مجلات» و «ارزان کردن بهای مجلات» تا حدودی به هم مربوط بوده (اولی ۶٪ و دومی ۵/۹٪ پیشنهادات را به خود اختصاص داده است) هر دو به نوعی به گرانی مجلات علمی اعتراض دارد.

ب. اقدامات ضروری از دیدگاه مدیران. در پاسخ به این پرسش که برای بهبود شرایط مجلات علمی در کشور چه اقداماتی را ضروری می دانید مدیران مجلات پاسخهای گوناگونی ارائه کردند که پس از طبقه بندی آنها را می توان در ۸ گروه بشرح زیر مورد بررسی قرار داد:

۱. تأمین منابع مالی. کمبود اعتبار می تواند مشکلی بنیادی بر سر راه انتشار یک مجله علمی باشد و ضرورت تأمین مالی به عنوان اقدامی ضروری از جانب نشریات دولتی با ۷۰/۲۰٪ و نشریات خصوصی با ۸/۶۰٪ پیشنهاد شده است.

۲. تأمین امکانات چاپی. نیاز به امکانات چاپی از قبیل کاغذ و وسایل مربوط به چاپ از جمله ضروریات هر دو گروه نشریات دولتی و خصوصی است. اگرچه لزوم این مسئله برای نشریات خصوصی با ۹/۶۷٪ کمی بیش از نشریات دولتی با ۸/۱۰٪ است.

۳. تأمین وسایل اطلاع رسانی. باید توجه داشت که به طور کلی یک مجله محل نشر اطلاعات تولید شده است و نه تولید آن، اما تأمین وسایل اطلاع رسانی می تواند اقدام مؤثری در گسترش و جامعیت بخشیدن به کار اطلاع رسانی مجلات علمی باشد. اگر به پاسخهای داده شده در این رابطه توجه کنیم می بینیم که پیشنهاد اقدام به تأمین وسایل اطلاع رسانی از جانب نشریات خصوصی با ۱۹/۳۵٪ بیش از نشریات دولتی با ۱۷/۱۱٪ می باشد.

درصد	تعداد	نظرات
۱۸/۱۶	۱۴۶	۱. جذب و جلب همکاری بیشتر متخصصین
۱۵/۵۵	۱۲۵	۲. افزایش حمایت دولت
۱۴/۳۰	۱۱۵	۳. رشد تازه‌های علمی
۱۱/۰۷	۸۹	۴. توسعه ارتباطات علمی در سطح ملی و بین‌المللی
۷/۵۹	۶۱	۵. تقویت نظام اطلاع‌رسانی در کشور
۶/۱۰	۴۹	۶. ایجاد تسهیلات از نظر دسترسی بیشتر به مجلات
۵/۹۸	۴۸	۷. ارزان کردن بهای مجلات
۵/۲۲	۴۲	۸. بهبود کیفیت چاپ و کاغذ
۴/۳۵	۳۵	۹. حمایت از مؤلفین
۳/۳۶	۲۷	۱۰. نشر یافته‌های پژوهشی
۳/۳۶	۲۷	۱۱. نشر مطالب کاربردی
۳/۱۱	۲۵	۱۲. نشر ترجمه از متون خارجی
۱/۸۷	۱۵	۱۳. ارتقاء فرهنگ مطالعه
۱۰۰	۸۰۴	جمع

جدول ۷. نظرات خوانندگان در مورد اقدامات ضروری برای بهبود شرایط مجلات علمی

۴. حمایت دولت. یکی از اقدامات پیشنهادی از جانب نشریات دولتی و خصوصی لزوم حمایت دولت می‌باشد. نیاز به حمایت دولت برای نشریات خصوصی با ۵۸/۲۲٪ به میزان قابل ملاحظه‌ای بیش از نشریات دولتی (با ۴۶/۱۸٪) می‌باشد.

۵. تقویت ساختار پژوهشی. از آنجائیکه روش کار یک جله علمی اساساً مهمتر از موضوع آنست، از این رو، بدون شک تقویت ساختار پژوهشی آن نیز می‌تواند یکی از اقدامات مؤثر در بهبود آن مجله باشد. پاسخهای داده شده نشان می‌دهد که درصد پیشنهادات در این رابطه برای نشریات دولتی (با ۳۶/۱۰٪) بیش از نشریات خصوصی (با ۸/۶۰٪) می‌باشد.

۶. تقویت انجمنهای علمی. یکی دیگر از اقدامات پیشنهادی به جهت بهبود شرایط

مجلات علمی کشور تقویت انجمنهای علمی است که باید گفت درصد قابل ملاحظه‌ای از پیشنهادات را نیز به خود اختصاص می‌دهد. لزوم این امر از سوی نشریات خصوصی (با ۱۳/۹۷٪) بیش از نشریات دولتی (با ۱۰/۸۱٪) ابراز شده است.

۷. تربیت نیروی انسانی مجرب. آنچه که اطلاعات ما بیانگر آنست لزوم اقدام به تربیت هرچه بیشتر نیروی انسانی مجرب برای نشریات دولتی است. رقم مورد نظر در رابطه با این پیشنهاد برای نشریات دولتی ۲۱/۶۲٪ و در نشریات خصوصی ۱۲/۹۰٪ می‌باشد، و این خود تفاوتی قابل ملاحظه است.

۸. حمایت از نویسندگان. یکی از اقدامات پیشنهادی، حمایت از نویسندگان مقالات است. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که نشریات دولتی با ۶/۳۰٪ در مقایسه با نشریات خصوصی با ۴/۳۰٪، نسبت بیشتری از پیشنهادات را در این رابطه به خود اختصاص داده‌اند.

تفاوت عمده‌ای میان نظرات مدیران و خوانندگان دیده می‌شود و در حقیقت هرکدام مسائل را از دیدگاه خود تجزیه و تحلیل کرده‌اند، هرچند که عنصری مانند حمایت دولتی (و البته با محتوایی متفاوت) در هر دو وجود دارد. برای خوانندگان آنچه اساسی است محتوای مجلات و نقش نیروی انسانی کارآمد است و حال آنکه تکیه مدیران بیشتر بر جنبه‌های تجهیزاتی و ساختی است (جداول ۷ و ۸)، چرا که هدفهای آنان درحالی که مظاهروزمینه‌های مشترک دارد، اما به گونه‌های متفاوتی تعریف می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

جدول شماره ۹ حکایت از آن دارد که غیر از اولین مشکل یعنی ضعف ساختار پژوهشی کشور که بالاترین نسبت تأکید بر اهمیت در این مورد مشاهده می‌شود. دو مشکل بعد هر دو جنبه اقتصادی دارند و بالاخره کمترین تکیه بر دو مشکل موانع سیاسی و عدم حمایت هیأت تحریریه شده است. می‌دانیم که میانگین در بعد مشکلات درون سازمانی (که البته بکلی منفک از مشکلات برون سازمانی هم نیستند) از مشکلات برون سازمانی اندکی بیشتر است (به ترتیب ۳/۱۸ و ۲/۸۹).

نظرات	تعداد	درصد
حمایت دولت	۶۲	۱۹/۷
تربیت نیروی مجرب	۶۰	۱۹/۰
تأمین وسایل اطلاع‌رسانی	۵۶	۱۷/۸
تقویت انجمنهای علمی	۳۷	۱۱/۷
تقویت ساختار پژوهشی کشور	۳۱	۹/۸
تأمین امکانات چاپی	۲۷	۸/۶
تأمین منابع مالی	۲۴	۷/۶
حمایت از نویسندگان	۱۸	۵/۷
جمع	۳۱۵	۱۰۰

جدول ۸. نظرات مدیران مجلات در مورد اقدامات ضروری برای بهبود شرایط مجلات

درون‌سازمانی		برون‌سازمانی	
نوع	میانگین	نوع	میانگین
فقدان نیروی انسانی آموزش‌دیده	۳/۱۱	ضعف ساختار پژوهشی	۳/۸۶
عدم حمایت هیأت تحریریه	۲/۰۸	ضعف انجمنهای علمی	۳/۴۱
مشکلات مالی به طور کلی	۳/۸۲	موانع سیاسی	۱/۵۵
ضعف بازار فروش	۳/۴۱	موانع حقوقی	۲/۳۹
کم‌دسترسی به منابع علمی	۲/۹۷	عدم حمایت مالی دولت	۳/۳۰
بالا بودن هزینه‌های چاپ	۳/۷۲	عدم حمایت معنوی دولت	۲/۸۳
میانگین کل	۳/۱۸	میانگین کل	۲/۸۹

جدول ۹. میانگین نمرات (۵-۰) درجه اهمیت مسائل از دیدگاه مدیران

اهمیتی که مدیران مجلات به طور کلی برای مسائل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی قائلند از نظر آماری با توجه به آزمون t از یکدیگر تفاوت معنی‌دار دارد ($P=0/003$ و $t=3/12$) و در نهایت میانگین کل شاخص در مورد مشکلات درون سازمانی $18/6$ و در مورد مشکلات برون سازمانی برابر با $16/7$ است (از حداقل صفر و حداکثر 30). در سطح گروه‌های مختلف موضوعی با اینکه تأکید بر مشکلات درون‌سازمانی در گروه هنر از سایر گروه‌ها خیلی بیشتر است ($22/3$) و در گروه علوم پایه از همه کمتر ($16/8$)، با اینحال تفاوت معنی‌داری در سطح 7 گروه مورد آزمون مشاهده نمی‌شود. تأکید بر اهمیت این نوع مشکلات در سطح مجلات علمی عمومی نیز در مقایسه با بقیه کمتر است ($17/0$). این نوع مشکلات در میان ناشرین خصوصی و دولتی تفاوتی ندارد (جدول شماره ۱۰).

در مورد مشکلات برون‌سازمانی نیز هرچند که در سطح 7 گروه موضوعی تفاوتی دیده نمی‌شود اما شدت تأکید بر آنها در گروه‌های علوم پایه و هنر از همه بیشتر (19 و $19/2$) و در گروه‌های پزشکی و فنی و مهندسی از همه کمتر است (هر دو $15/6$). نکته‌ای که در مورد این نوع مشکلات شایان ذکر است و البته با توجه به شرایط آنها نیز طبیعی به نظر می‌رسد تفاوتی است که میان ناشرین دولتی و خصوصی وجود دارد و کاملاً نیز قابل توجه است، چرا که اولاً شاخص مجلات دولتی $15/9$ و شاخص مجلات خصوصی $18/3$ است و در ثانی آزمون تجزیه واریانس نیز معنی‌دار است ($P=0/04$ و $F=4/12$). فشار این مشکلات که اغلب در رابطه با دولت مطرح می‌شود از سوی مدیران دولتی کمتر احساس می‌شود.

دو گروه مسائل فوق (هر دو از نظر شاخص دارای وزن نظری یکسان هستند) در گروه‌های مختلف آموزشی به یک نسبت از سوی مدیران احساس نمی‌شوند. مثلاً در حالیکه برای گروه هنر مسائل درون سازمانی اهمیت بیشتری دارد در گروه مجلات عمومی وضع حالت معکوس دارد، هرچند که به طور کلی وزن مشکلات درون سازمانی بیشتر است (سهم قابل توجه مشکلات مالی به طور کلی در این زمینه، به علت تعدد این متغیرها در شاخص).

سه گروه مشکلات اقتصادی، سیاسی و حقوقی و فنی هر سه دارای وزن یکسان هستند (از صفر تا حداکثر 15). این سه گروه مشکلات هیچکدام در رابطه با دو متغیر

دولتی و خصوصی بودن مجله، و نیز گروه آموزشی آن تفاوتی که از نظر آماری معنی‌دار باشد ندارند، اما در درون آنها و در مقایسه‌های دوگانه تفاوت‌های قابل توجهی به چشم می‌خورد. در مورد مشکلات اقتصادی باید یادآور شویم که این مشکلات در گروه‌های پزشکی و علوم انسانی کمتر مورد تأکید قرار گرفته است و حال آنکه توجه به اهمیت آنها در گروه فنی و مهندسی بیشتر بوده است. در مجلات خصوصی تأکید بر اهمیت این مشکلات بیش از بخش دولتی بوده است.

مشکلات سیاسی و حقوقی در گروه فنی و مهندسی کمتر از بقیه مورد تأکید قرار گرفته است (۴/۹ از ۱۵) و شدت توجه به آنها در گروه‌های هنر و علوم پایه بیش از بقیه بوده است (به ترتیب ۷/۸ و ۸). همچنین تأکید بر اهمیت این مشکلات در بخش خصوصی بیش از بخش دولتی بوده است، هرچند که در بخش دولتی نیز مسائل به گونه دیگری مطرح است (مقررات مالی و استخدامی و ...).

در مورد مشکلات فنی که به نوعی حالت درونی دارند باید یادآور شویم که شدت تأکید بر اهمیت آنها در مجلات علمی عمومی و علوم پایه از بقیه کمتر (۶/۲ از ۱۵) است و حال آنکه با اختلاف قابل توجه در گروه هنر از همه بیشتر است (۱۰/۵). مدیرانی که مجلات آنها در بخش دولتی قرار دارد بیش از مدیران مجلات وابسته به بخش خصوصی بر این مشکلات تأکید دارند (به ترتیب برابر ۸/۲ و ۷/۲ از حداکثر ۱۵). با اینحال تفاوتها از نظر آزمون تجزیه واریانس در مورد هیچ یک از دو متغیر فوق معنی‌دار نیست (جدول شماره ۱۰).

طبقه‌بندی مسائل	درون	برون	اقتصادی	سیاسی و حقوقی	فنی	متغیر
کل	۱۸/۶	۱۶/۷	۱۰/۵	۶/۴	۷/۹	
مجلات عمومی	۱۷/۰	۱۸/۱	۱۰/۵	۷/۳	۶/۲	
علوم انسانی	۱۹/۴	۱۶/۹	۱۰/۱	۷/۳	۸/۵	
پزشکی	۱۸/۰	۱۵/۶	۱۰/۱	۵/۵	۸/۱	
فنی و مهندسی	۱۸/۳	۱۵/۶	۱۱/۱	۴/۹	۷/۳	
کشاورزی	۱۸/۱	۱۶/۲	۱۰/۵	۶/۰	۷/۷	
علوم پایه	۱۶/۸	۱۹/۰	۱۰/۸	۸/۰	۶/۲	
هنر	۲۲/۳	۱۹/۲	۱۰/۸	۷/۸	۱۰/۵	
F	۱/۳۱	۰/۷۲	۰/۲۰	۱/۴۳	۱/۷۷	
P	۰/۲۶	۰/۶۳	۰/۹۷	۰/۲۱	۰/۱۱	
دولتی	۱۸/۶	۱۵/۹	۱۰/۱	۶/۱	۸/۲	
خصوصی	۱۸/۷	۱۸/۳	۱۱/۱	۶/۹	۷/۲	
F	۰/۰۰۲	۴/۱۲	۱/۸	۰/۹۷	۲/۰۸	
P	۰/۹۶	۰/۰۴	۰/۱۷	۰/۳۲	۰/۱۵	

جدول ۱۰. میانگینهای درجه اهمیت مسائل براساس شاخصهای انواع مختلف مسائل

و به تفکیک گروه موضوعی و نوع وابستگی برای مدیران مجلات

- ۱- شامل ۶ مسأله از نظر: نیروی انسانی، حمایت هیأت تحریریه، مشکلات مالی، بازار فروش، دسترسی به منابع علمی، و هزینه‌های چاپ (حداقل صفر و حداکثر ۳۰).
- ۲- شامل ۶ مسأله از نظر: ساختار پژوهشی، مقررات، حمایت مالی دولت، حمایت معنوی دولت، موانع سیاسی، و ضعف انجمن‌ها (حداقل صفر و حداکثر ۳۰).
- ۳- شامل ۳ مسأله از نظر: مشکلات مالی، بازار فروش، حمایت مالی دولت (حداقل صفر و حداکثر ۱۵).
- ۴- شامل ۳ مسأله از نظر: مقررات، حمایت معنوی دولت، و موانع سیاسی (حداقل صفر و حداکثر ۱۵).
- ۵- شامل ۳ مسأله از نظر: نیروی انسانی، حمایت هیأت تحریریه، و دسترسی به منابع علمی (حداقل صفر و حداکثر ۱۵).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. محسنی، منوچهر. بررسی ویژگیها و مسائل تولید، نشر و مطالعه مجلات علمی در ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. ۱۳۷۸.
۲. محسنیان راد، مهدی و همکاران. فهرستگان ارتباطات. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. جلد اول. ۱۳۷۲.
۳. ونیدال، سون و ... کاربرد نظریه‌های ارتباطات. ترجمه دکتر علیرضا دهقان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. ۱۳۷۶.
4. Croteau, D. et al. Media / Society. London: Pine Forge Press. 1997.
5. Richardson, J.V. et al. "Scholarly Journal Decision Making: A Graphic Representation". The Library Quarterly. Vol. 68, Jan. 1998, No. 1, PP. 5-8.
۶. سلطانی، پوری و ... اصطلاحنامه کتابداری، فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی. تهران: کتابخانه ملی ایران. چاپ دوم. ۱۳۶۵.
7. Allbert, P. La presse francaise. Paris: La Documentation francaise. 1990.
8. Allbert, P. Lexique de la presse écrite. Paris: Dalloz. 1989.
9. Dictionnaire Encyclopédique Quillet. Paris: Quillet. 1987.
10. Truxillo et al. J.P. Dictionnaire de la communication. Paris: Armand Colin. 1991.
11. Unesco. World List of Social Science Periodicals. Paris: Unesco. 1976.
12. Tristani Potteax, F. Les journalistes scientifiques. Paris: Economica. 1997.